

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والری بورت – (Valery BURT) روزنامه‌نگار، مؤرخ، نویسنده
برگردان: ا.م. شبیری
۲۸ اپریل ۲۰۲۵

سوگند فراموش شده در الب



اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایالات متحده آمریکا در جنگ جهانی دوم
[گرامی باد هشتادمین سالروز پیروزی شکوهمند خلق‌های اتحاد شوروی، ارتش سرخ کارگران و دهقانان و دسته‌های
پارتیزانی آن بر فاشیسم، نازیسم و میلیتاریسم (تروریسم) سرمایه‌داری در جنگ جهانی دوم!]- شبیری

ارتش‌های اتحاد شوروی و آمریکا ۸۰ سال پیش متعهد شدند با یکدیگر نجنگند

در جشن هشتادمین سالگرد پیروزی نمایندگان کشورهای غربی در مسکو حضور نخواهند داشت. آن‌ها سنت‌های جنگی
متحده را که با هم در برابر دشمن مشترک- آلمان نازی مبارزه کردند، به فراموشی سپرده‌اند. این افراد که از شدت
نفرت به روسیه کور شده‌اند، تاریخ را لکه‌دار می‌کنند و از به رسمیت شناختن فداکاری‌های بی‌نظیر خلق‌های اتحاد
جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم امتناع می‌ورزند. در این باره تنها می‌توان اظهار تأسف کرد، به یاد آورد و به
فکر فرو رفت...

۸۰ سال پیش، در اپریل ۱۹۴۵، در رودخانه الب در حوالی شهر تورگاو، متحدان، برادران سلاح، رزمندگان اتحاد
جماهیر شوروی و آمریکا دیدار کردند. احساساتشان پر از شادی و شور بود – تنها چند روز تا پایان جنگ جهانی دوم
باقی مانده بود و نشانه‌های پیروزی هر روز واضح‌تر دیده می‌شد. روس‌ها و آمریکایی‌ها همدیگر را در آغوش
می‌گرفتند و هدایایی رد و بدل می‌کردند. در آن روز، آن‌ها قسم خوردند که هرگز با یکدیگر نجنگند.

متأسفانه، سیاستمداران در واشنگتن نظر و اقدامات متفاوتی داشتند. تابستان ۱۹۴۵، غرب برنامه‌ریزی کرده بود نیروهای آمریکا و انگلیس با اجرای عملیاتی به نام «غیرقابل تصور» (Unthinkable)، به اتحاد جماهیر شوروی حمله کنند. اما رهبران این کشورها، هری ترومن و وینستون چرچیل، جرأت انجام این ماجراجویی را نداشتند. رهبری اتحاد جماهیر شوروی از نیت شوم متفقین آگاه بود. اما، وانمود می‌کرد که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. شاید ستالین امیدوار بود که بتواند ائتلاف را از فروپاشی نهائی نجات دهد...

در جون ۱۹۴۵، دیپلمات‌ها و نظامیان امریکائی و انگلیس برای جشن پیروزی به مسکو دعوت شدند. علاوه بر مارشال گئورگی ژوکوف، دوایت آیزنهاور، جنرال امریکائی و رئیس‌جمهور آینده آمریکا، برنارد مونتگومری، فیلدمارشال انگلیس و ژان دو تاسینی، جنرال فرانسوی از رژه در میدان سرخ سان دیدند.

در اگست سال ۱۹۴۵، جشن ورزشی برگزار گردید. جنرال یسیموس ستالین که روی سکوی آرامگاه ایستاده بود، آیزنهاور و پسرش جان را که به شوروی آمده بودند، به آنجا دعوت کرد. آن‌ها همراه با آورل هریمن، سفیر آمریکا در شوروی و سرلشکر جان دین، رئیس هیأت نظامی آمریکا در مسکو به آنجا رفتند.

این بزرگترین افتخار بود. پیش از آن هیچ خارجی اجازه نداشت بر سکوی آرامگاه لنین پا بگذارد!

آیزنهاور بعدها یادآوری کرد: «ستالین علاقه زیادی به دستاوردهای صنعتی، علمی و اقتصادی آمریکا نشان می‌داد. او چند بار تکرار کرد که برای روسیه و آمریکا مهم است که همچنان دوست باقی بمانند. ستالین گفت: «زمینه‌های زیادی وجود دارد که ما به کمک آمریکا نیاز داریم. وظیفه اصلی ما این است که سطح زندگی مردم روسیه را که بشدت از جنگ آسیب دیده، ارتقا دهیم. ما باید همه دستاوردهای علمی شما در عرصه کشاورزی را بشناسیم. همچنین باید از متخصصان شما بهره‌مند شویم تا به ما در حل مشکلات مهندسی مکانیک و ساخت‌وساز کمک کنند...»

متأسفانه، دوره‌های دیگری در پیش بود. از دوستی گذشته که در جنگ تحکیم یافته بود و همکاری آینده، کمتر و کمتر یاد می‌شد. حتی آن‌هم به طور گذرا، با لبخندهای سرد در خلال جنگ سرد...

در جنوری ۱۹۴۹، مصاحبه ستالین با کینگزبری اسمیت، مدیرکل آژانس امریکائی «اینترنشنال نیوز سرویس» در اروپا، در روزنامه «پراودا» منتشر شد. او پرسید آیا رهبر شوروی آماده است با رئیس‌جمهور آمریکا، هری ترومن، دیدار کند تا درباره مسائل مهم مذاکره کنند. ستالین پاسخ مثبت داد.

امریکائی‌ها او را به واشنگتن دعوت کردند. با این حال، رهبر اتحاد جماهیر شوروی از طریق «پراودا» پاسخ داد: «سفر به واشنگتن آرزوی دیرینه من است. حتی در زمان خود به رئیس‌جمهور روزولت در یالتا و رئیس‌جمهور ترومن در پوتسدام بیان کرده‌ام. متأسفانه، در حال حاضر امکان تحقق این آرزو برای من وجود ندارد. برای این که پزشکان بشدت با سفر طولانی‌مدت من، به ویژه سفر بحری یا هوایی، مخالفت می‌کنند. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم مکان ملاقات مسکو، لنینگراد، کالنینگراد، اودسا، یالتا در اتحاد جماهیر شوروی و یا در پোলند یا چکسلواکی باشد. انتخاب به تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا بستگی دارد.»

به نظر می‌رسید که خطوط کلی یک اجلاس جدید بین دو کشور بزرگ کره زمین در افق پدیدار می‌شود. جهان در انتظار فرو رفت، اما ترومن به سخنان ستالین... با سکوت سنگین پاسخ داد.

چه اتفاق افتاد، او چرا سخنان رهبر شوروی را نادیده گرفت؟ از سایه روزولت که در روابطش با مسکو صادق به نظر می‌رسید، وحشت داشت؟ آیا او می‌ترسید که ستالین از او زرنگتر باشد؟

به هر حال، دیدار در سطح عالی انجام نشد. فرصت بی‌نظیر از دست رفت...

پس از کنارگیری ترومن و به قدرت رسیدن آیزنهاور در کاخ سفید، روابط با غرب همچنان پرتشنج باقی ماند. «سنت» حتی در زمان جان کندی نیز شکسته نشد. البته، پس از بحران کرائیب، نشانه‌های ضعیفی از همکاری آینده پدیدار شد. اما، این نشانه‌ها پس از مرگ تراژیک سی‌وپنجمین رئیس‌جمهور امریکا ناپدید گردیدند.

... سال‌ها گذشت. مسکو روز پیروزی را در حضور همپیمانان وارسا و در غیاب متحدان دوران جنگ جهانی دوم جشن می‌گرفت. این وضعیت سال‌ها ادامه داشت و به نظر می‌رسید دوستی قدیمی کاملاً به بوتۀ فراموشی سپرده شده است.

با این حال، در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ به نظر می‌رسید که خورشید از پشت ابرها بیرون آمده است. اتحاد جماهیر شوروی مورد احترام قرار گرفت. اما نه به خاطر قدرت، چون آن زمان قدرتش رو به زوال بود، بلکه به خاطر ضعفش. مسکو در مذاکرات، به طور مرتب عقب‌نشینی می‌کرد و مواضع قوی سابق خود را واگذار می‌کرد. رهبر شوروی، میخائیل گوربچوف، لبخند می‌زد، اما به شکلی محتاط و چهره‌اش اغلب سایه‌ای پر از غم به خود می‌گرفت.

سیاست امتیازدهی و تسلیم‌پذیری در دوره پس از شوروی نیز ادامه یافت. در زمان باریس یلتسین. اولین رئیس‌جمهور روسیه، روابط روسیه و غرب دوستانه به نظر می‌رسید. اما فقط به این دلیل که اولویت در حل مسائل مهم در حیطه اختیار رهبران خارجی بود.

... در آن زمان، از همکاری متفقین در طول جنگ جهانی دوم با احترام یاد می‌شد. هیچ کس شاهکار مردم شوروی و ارتش سرخ را زیر سؤال نمی‌برد. رهبران غربی با شور و شوق به دعوت‌ها برای بازدید از مسکو در ۹ ماه مه پاسخ می‌دادند.

برای مثال، در جشن پنجاهمین سالگرد پیروزی در مسکو در سال ۱۹۹۵، رؤسای ۵۶ کشور شرکت داشتند. در میان آن‌ها جان میجر، نخست‌وزیر انگلیس، فرانسوا میتران و بیل کلینتون، رؤسای جمهور فرانسه و امریکا، هلموت کول، صدر اعظم المان حضور داشتند. از جمهوری‌های سابق شوروی، لئونید کوچما، رئیس‌جمهور اوکراین و ادوارد شوارندادزه، رهبر گرجستان به پایتخت روسیه آمدند.

در آغاز قرن بیست و یکم، ولادیمیر پوتین، جانشین باریس یلتسین، با جدیت به دفاع از منافع روسیه پرداخت و خواستار صحبت با غرب در شرایط برابر شد. این موضوع برای شرکای ما غیرمنتظره بود. در جلسه‌ها روز به روز فضای سردتری حاکم می‌شد و در پایتخت‌های اروپایی و واشنگتن، دشمنی قدیمی نسبت به روسیه دوباره زنده می‌شد. ... در سال ۲۰۱۰، آنگلا مرکل، صدر اعظم المان برای شرکت در جشن به مناسبت ۶۵ سالگی پیروزی به مسکو آمد. اما به دلایل مختلف، رهبران امریکا، فرانسه و ایتالیا- بارک اوباما، نیکولا سارکوزی و سیلویو برلوسکونی از سفر به مسکو و شرکت در جشن خودداری کردند. به تدریج، رهبران کشورهای غربی راه سفر به مسکو برای مراسم یادبود ماه مه را بکلی به دست فراموشی سپردند. ...

زمان خیلی چیزها را تغییر می‌دهد. دیدگاه مردم و درکشان از اتفاقات تغییر می‌کند. حُسن‌نیت جای خود را به تشنج می‌دهد. پنهان‌کاری بر صداقت غلبه می‌کند، خصومت بر صلح و دوستی پیروز می‌شود. اما حتی در اوج درگیری‌های سیاسی شدید نباید اخلاق، شرافت و در نهایت آداب دیپلماتیک را فراموش کرد. به‌ویژه، وقتی که صحبت از یک امر مقدس و فراموش‌نشدنی در میان باشد. افسوس که امروزه همه چیز کاملاً فرق کرده است. ...

درگیری در اوکراین، روسیه و کشورهای غربی را از هم جدا کرده است. آن‌ها ما را به انواع گناهان متهم می‌کنند و ما را با اسلحه تهدید می‌کنند. آن‌ها بدون شرم و حیا دروغ می‌گویند و ادعا می‌کنند که روسیه برای حمله به اروپا آماده می‌شود.

در پاریس، لندن، برلین و دیگر پایتخت‌ها کاملاً «فراموش کرده‌اند» که کدام کشور در مبارزه با نازیسم بیشترین سهم را داشته و مردم آن کشور چه بهای سنگینی برای این امر پرداخت. تاریخ جنگ جهانی دوم جعل می‌شود، برخی صفحات آن پاره شده و صفحات جدید جایگزین می‌شوند. یادواره‌ها و مجسمه‌های قهرمانانی که در نبرد برای آزادی جان باختند، تخریب می‌شوند و قبرستان‌های سربازان آزادی‌بخش اتحاد شوروی مورد بی‌احترامی و هتک حرمت قرار می‌گیرند. چندین سال است که نمایندگان کشورهای غربی روز پیروزی را نادیده می‌گیرند. این وضعیت در نهم مه ۲۰۲۵ نیز ادامه خواهد داشت. مزید بر این، کایا کالاس، رئیس دیپلماسی اتحادیه اروپا، وعده کرده است که برای کسانی که در مراسم جشن در پایتخت روسیه شرکت کنند، مشکلات زیادی ایجاد خواهد کرد. با این حال، بسیاری از سیاستمداران قصد دارند این ممنوعیت را نادیده بگیرند. در روز پیروزی، مهمانان زیادی از خارج کشور در مسکو حضور خواهند داشت.

نصیحت به رهبران بی‌احساس غربی که در تنفر سوزان از روسیه به سر می‌برند، هیچ فایده‌ای ندارد. بگذار هرطور که می‌خواهند، زندگی کنند. نهم ماه مه، جشن ماست. جشنی عزیز، با شکوه، مقدس. و غریبه‌ها در آن جایی ندارند.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۷ اردیبهشت - ثور ۱۴۰۴